

عوامل مؤثر در کارایی استفاده از استقراض خارجی در ایران

دکتر زهرا افشاری*

چکیده

در این مقاله به بررسی کارایی استفاده از استقراض خارجی در ایران در دوره بعد از جنگ تحمیلی پرداخته شده است. دو نوع کارایی، کارایی تخصص (قدرت بازپرداخت بدهی در سررسید معین) و کارایی رسیدن به هدف (میزان دستیابی به رشد سریع و پایدار اقتصادی) در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد، که با یک برنامه زمان‌بندی شده تا پایان سال ۱۳۸۲ کشور قادر به بازپرداخت قسمت عمده بدهی‌های خود خواهد بود. معیناً دستیابی به این امر، بر کارایی رسیدن به هدف یعنی دستیابی به رشد اقتصادی در دوره بازپرداخت وام اثر منفی داشته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های کلان داخلی عامل اصلی تعیین‌کننده درجه کارایی استفاده از استقراض خارجی در ایران بوده و عوامل بین‌الملل فقط نقش تشدیدکننده داشته است.

استقراض خارجی در ایران (بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)^۱

استقراض خارجی در ایران سابقه طولانی دارد، در اقتصاد معاصر اولین وام در سال

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهراء (س)

۱- برگرفته از طرح پژوهشی تحت همین عنوان، طرح مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی و دانشگاه الزهراء

۱۲۷۶ (زمان ناصرالدین شاه) اخذ شد و در دوران قبل از انقلاب نیز استقراض خارجی یکی از منابع مهم تأمین مالی به شمار می‌رفت. (۱) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ابتدا دولت در مورد اخذ وام یک سیاست ارتدکس در پیش گرفت. بدین مفهوم که با هیچیک از کشورها و یا مؤسسات مالی خارجی قراردادی منعقد نکرد. به طوری که میزان استفاده از منابع وام‌ها و اعتبارات دولتی از ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۶ با ۶۱۹ میلیون دلار در سال ۱۳۷۵ و در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به ترتیب به ۳ و ۵ میلیون دلار رسید. ولی با عنایت به مشکلات اقتصادی و سیاسی از جمله شروع جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، کاهش صادرات نفتی، کاهش درآمدهای ارزی در اثر انجماد دارایی‌های خارجی ایران در غرب، بازپرداخت بدهی‌ها مطابق توافق الجزایر منجر به کاهش دارایی‌های در دسترس گردید به طوری که رقم مذکور از ۱۱ میلیارد دلار به ۴ میلیارد دلار کاهش یافت. (۳) تحریم اقتصادی تحمیل شده توسط غرب، هرگونه استقراض بلندمدت از بازار، سرمایه بین‌المللی را محدود ساخت. این کاهش با تقاضای فوق‌العاده برای ارز خارجی به علت واردات نظامی و سرمایه همراه بود که منجر به بحران تراز پرداخت‌ها گردید. این اوضاع کشور را در وضعیتی قرار داد که مجدداً استفاده از وام‌ها و اعتبارات خارجی مطرح گردید به طوری که در سال ۱۳۶۰ حجم استفاده دولت از وام‌ها و اعتبارات به ۱۰۲ میلیون دلار رسید.

در زمینه سرمایه‌گذاری و اعطای وام به خارج نیز مشکلاتی به وجود آمد به طوری که در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸ میزان سرمایه‌گذاری و اعطای وام به ترتیب ۴۱۷ میلیون دلار و ۹۹ میلیون دلار کاهش یافت و در سال ۱۳۵۹ به صفر رسید. بازپرداخت اصل و فرع وام‌ها و اعتبارات خارجی نیز در سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ به ترتیب ۶۰۴ و ۹۳۸ و در سال ۱۳۵۹ به ۹۳۳ و در سال ۱۳۶۰ به ۵۲۱/۱ میلیون دلار رسید.

بعد از پایان جنگ تحمیلی، بازسازی اقتصاد آسیب‌دیده از جنگ و لزوم رشد سریع اقتصادی جهت جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته و همچنین مقابله با مشکلات داخلی بیکاری بالا، تورم شدید و بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شد. دستیابی به اهداف فوق

در گرو سرمایه‌گذاری و مستلزم تجهیز پس‌انداز در حجم بسیار زیاد بود. این پس‌انداز از دو طریق می‌توانست جمع‌آوری گردد. پس‌انداز ملی و پس‌انداز خارجی به علت در دسترس نبودن منابع داخلی لازم و بنا به دلایلی که بعداً از نظر خواهد گذشت، منابع خارجی به شکل استقراض خارجی مورد توجه قرار گرفت.

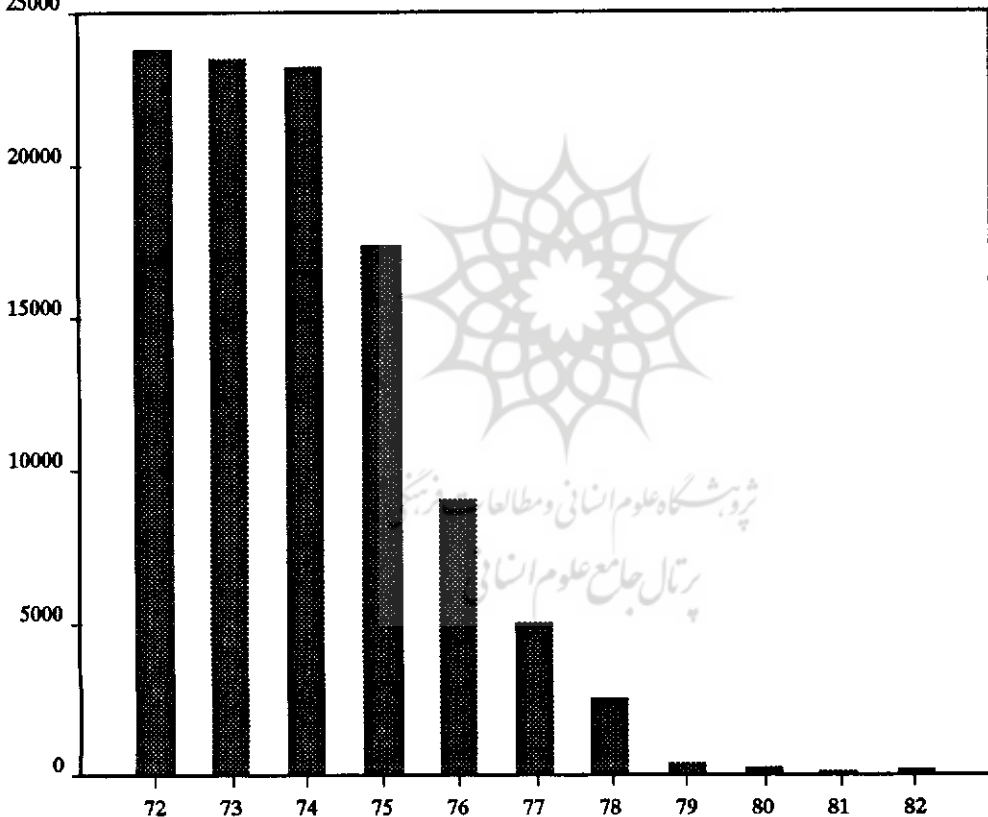
ولی با توجه به فضای نامساعد بین‌المللی از یک سو و سیاست‌های کلان داخلی از سوی دیگر، دستیابی به منابع قراردادی، سرمایه‌گذاری در پرتفولیو و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران میسر نگشت. لذا ایران تنها متکی به استقراض از بانکهای تجاری بود. تمایل بستانکاران به اعطای اعتبار خارجی به ایران، حاصل خوش‌حسابی ایران در دوره جنگ تحمیلی در بازپرداخت بدهی بود (دوره مزبور با دوره رونق نفت مواجه بوده است). توان تجاری ایران با توجه به درآمدهای نفتی و سایر عوامل دورنمای مساعدی برای بازپرداخت بدهی ایران فراهم ساخت.

ولی در طی برنامه، درآمدهای حاصل از نفت حدود ۹۰ درصد و صادرات غیرنفتی حدود ۶۵ درصد مقدار پیش‌بینی شده تحقق یافت، دولت در سال ۱۳۷۰ با قریب به ۱۶ میلیارد دلار درآمد ارزی، ۲۷/۸ میلیارد دلار واردات داشت. براساس ارقام منتشر شده توسط بانک تسویه حسابهای بین‌المللی، بدهی‌های خارجی ایران از ۵/۵ میلیارد دلار در پایان سال (۱۳۶۸) به ۶/۵ میلیارد دلار در نیمه سال ۶۹ و در پایان همین سال به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رسید. در این گزارش قید شده است که بخش مهمی از بدهی‌های ایران ناشی از گسترش اعتبارات تجاری بوده است. (۴)

برنامه اول در سال ۱۳۷۲ به پایان رسید. بعد از یکسال که دوره مطالعه و ارزیابی عملکرد برنامه اول بود، برنامه پنجساله دوم به مرحله اجرا گذاشته شد. در این برنامه صادرات نفتی ۷۳ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی ۲۷ میلیارد دلار پیش‌بینی شده بود. واردات قرار بود که از ۹۱ میلیارد دلار تجاوز نکند. لذا نسبت به سال ۱۳۷۲ تنها ۷/۳ درصد رشد برای واردات پیش‌بینی شده بود. با توجه به مشکلات مربوط به انباشت بدهی‌ها در

برنامه اول، در برنامه دوم به طور محدودتری نسبت به استقراض خارجی رفتار شد. برنامه دوم به دولت اجازه می داد تا سقف ۱۰ میلیارد دلار به صورت بای بک و یوزانس برای تأمین هزینه پروژه های مخصوص در بخش گاز و نفت از اعتبارات خارجی استفاده کند. همچنین با توجه به بدهی های متراکم شده طی برنامه اول بازپرداخت بخشی از این وام ها پیش بینی شده بود. به طوری که در سال های پایان برنامه دوم حجم بدهی های انباشت شده کاهش یابد. (نمودار ۱) این امر گرچه بحران بدهی ایران را رفع کرد، ولی بر توان اقتصادی کشور اثر نامطلوب بر جای گذاشت.

میلیون دلار



IIBBT

نمودار ۱- وام های خارجی ایران

مأخذ: براساس نماگرهای اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره های مختلف

بررسی ساختار استقراض ایران

نمودار ۱ ضمیمه نشان می‌دهد که در دوره ۷۲-۱۳۶۶، بیش از $\frac{۲}{۳}$ بدهی‌های ایران از نوع کوتاه‌مدت و بقیه از نوع بلندمدت بوده است. در طی این دوره ایران از اعتبارات صندوق بین‌المللی پول استفاده ننموده است. بدهی‌های ایران عمدتاً از نوع اعتبارات دولتی و تضمین نشده بود و طلبکاران خصوصی قسمت عمده طلبکاران را تشکیل داده‌اند (نمودار ۲ ضمیمه)، به علاوه ۶۵۷ درصد از بستانکاران، سازمان‌های چندجانبه و بقیه در جانبه بوده‌اند (نمودار ۳ ضمیمه). همچنین ۵۰ درصد بدهی‌ها از نوع غیرقراردادی و بقیه از نوع قراردادی بوده است (نمودار ۴ ضمیمه).

اعتبار صادرات قسمت عمده بدهی‌های کوتاه‌مدت ایران را تشکیل داده است. نسبت اعتبار صادراتی به کل بدهی ایران (به جز سال ۱۳۷۳) بیش از ۵۰ درصد بوده است. این نوع بدهی منبع اصلی دستیابی به تأمین مالی خارجی بوده است. برای بیشتر کشورهای جهان اعتبارات صادرات هیچگاه بیش از ۱۰ درصد کل صادرات را تشکیل نداده است (ایران، الجزایر و نیجریه کشورهایی بوده‌اند که در سال ۱۳۷۵ بیش از $\frac{۲}{۳}$ بدهی‌های آنها از نوع اعتبار صادرات بوده است). (۶) تجارب کشورهای با دیون بالا، نشان می‌دهد که تراکم این نوع بدهی‌ها یکی از عوامل مهم بحران در این کشورها می‌باشد، نمودار ۵ ضمیمه نشان می‌دهد که در طی دوره مورد بررسی قسمت عمده بدهی‌های ایران از نوع دلاری بوده است (به جز سال ۱۳۷۱) بدیهی است که نوسانات دلار در برابر ارزهای خارجی دیگر بر توان بازپرداخت مؤثر واقع می‌شود.

برای اندازه‌گیری درجه بدهکاری، توسط بانک جهانی دو معیار بکار برده می‌شود اول، نسبت ارزش کل بازپرداخت بدهی به تولید ناخالص ملی و ارزش کل بازپرداخت بدهی به صادرات، علت انتخاب این شاخص این است که می‌توان از طریق شاخص اول ظرفیت بازپرداخت بدهی یک کشور را معین نمود. همچنین شاخص دوم توان کشور را برای بازپرداخت بدهی نشان می‌دهد. در صورتی که شاخص‌های فوق به ترتیب از ۸۰/۱ و ۲۲۰

درصد تجاوز کند، کشور را در ردیف کشورهای بسیار مقروض (severly Indebted) تقسیم‌بندی می‌کنند. اگر هر دو نسبت از ۶۰ درصد تجاوز نکنند کشور جزو کمتر بدهکار (less Indebted) تقسیم‌بندی می‌شود. با توجه به مقادیر این شاخص در ایران از سال ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۷۳ ایران در ردیف کشورهای با دیون کم تقسیم‌بندی می‌شود. بررسی روند این شاخص‌های در طی دوره مورد نظر نمایانگر روند فزاینده این شاخص است، هر چند که هنوز موقعیت دام‌های ایران را در تقسیم‌بندی جهانی تغییر نداده است؛ ولی قابل توجه است.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که آثار بهره‌ای (اثر تغییر نرخ بهره بر بازپرداخت بدهی‌های با نرخ بهره متغیر) و نرخ ارز (اثر تنزل (ترقی) نرخ ارز بر بدهی‌های خارجی) بر روی دیون بلندمدت در ایران به ترتیب ۰/۳۹- و ۰/۰۵ می‌باشد. قابل ذکر است که این نسبت برای کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۰/۲۵ و ۰/۲ می‌باشد (مشابه با کشورهای امریکای لاتین)، از این جا نقش مهم سیاست‌های پولی و ارزی روشن می‌شود.

جدول ۱- اثر نرخ بهره و نرخ ارز بر دیون بلندمدت

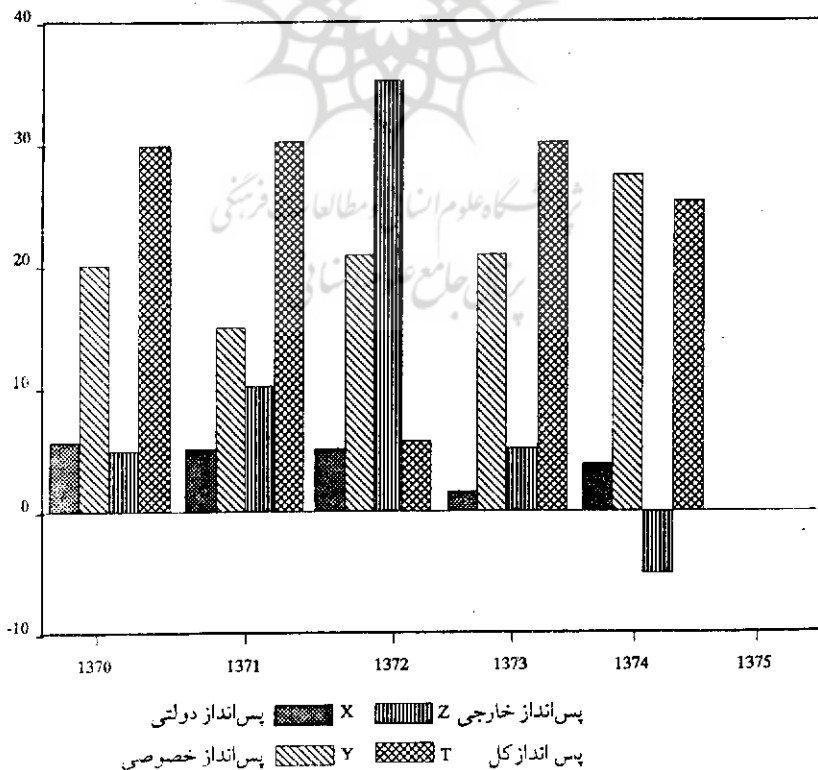
آثار نرخ بهره	آثار نرخ ارز	
۰/۲۵	۰/۲	تمامی کشورهای در حال توسعه
۲/۲۳	۰/۳۲	آسیا
۰/۳۴	۰/۱۳	امریکای لاتین
-۱/۶۶	۰/۱۲	اروپا و امریکای مرکزی
-۱/۵۴	-۰/۰۹	خاورمیانه و شمال افریقا
-۴/۱۹	۰/۰۲	افریقای صحرا
-۰/۳۹	۰/۰۵	ایران

World Bank, 1995 Global Economic Prospects and Developing Countries, pp.89 the

نقش منابع خارجی در برنامه‌های اول و دوم:

دوره بعد از جنگ را می‌توان به دوزیر دوره تقسیم کرد. در دوره اول تشکیل سرمایه در حجم بسیار وسیع صورت گرفته است و پس‌انداز خارجی در دسترس بوده است. در دوره دوم، سرمایه‌گذاری نسبت به دوره قبل کمتر بود، زیرا نه تنها دسترسی به پس‌انداز خارجی میسر نبوده بلکه بخشی از پس‌انداز ملی می‌بایست صرف بازپرداخت بدهی‌های قبلی می‌شد. (نمودار ۲)

دوره ۱۳۶۹-۷۳ سرمایه‌گذاری ۲۹-۳۵ درصد GDP بود و تشکیل سرمایه ناخالص ۲۱ درصد GDP بود. در طی دوره ۱۳۶۹-۷۴ متوسط رشد GDP، ۵ درصد بوده است. سرمایه‌گذاری در این دوره بسیار درخور توجه است. در این دوره پس‌انداز خارجی نقش به‌سزایی در تراکم سرمایه داشته است و حدود ۱۷ درصد GDP را تشکیل داده است (۷) نمودار (۲) ترکیب سرمایه خارجی و داخلی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲- نرخ پس‌انداز

همانطور که در بخش قبل گفته شد، در سالهای ۷۱-۱۳۷۰ بدهی‌های کوتاه‌مدت ۷۶ درصد کل بدهی‌های ایران را تشکیل می‌داد. با توجه به سررسید کوتاه‌مدت آن، نسبت بازپرداخت بدهی نسبت به صادرات و ذخایر بین‌المللی بسیار سنگین بود. در همین زمان به علت کاهش قیمت جهانی نفت رابطه مبادله بازرگانی نامطلوب گشت. افزایش فشارهای سیاسی امریکا نیز مؤثر بود. سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی به همراه عوامل نامساعد بین‌المللی بر تشدید مشکلات افزود، بالاخره وجود دیون معوق و مسئله جیره‌بندی ارز بسیاری از شرکت‌های صادراتی را تحت فشار قرار داد و مشکلات نقدینگی کشور را تشدید کرد.

از آن جا که مقامات ایران تأکید داشتند که تعهدات بدهی را بدون برقراری بدهی جدید و یا تجدید ساختار بدهی انجام دهند، لازم بود که در کوتاه‌مدت در حساب جاری خود مازاد به دست آوردند. لازمه دستیابی به اهداف فوق سرمایه‌گذاری بالا و رشد اقتصادی بود. از سوی دیگر با توجه به اهداف برنامه دوم در حفظ نرخ رشد بالا، کاهش بیکاری با توجه به هرم سنی جامعه و یا پیش‌بینی این که نه تنها در کوتاه‌مدت امکان دستیابی به منابع خارجی میسر نیست؛ بلکه بخشی از منابع داخلی باید جهت بازپرداخت بدهی‌های خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت (انتقال معکوس منابع)، مشکلات تأمین مالی سرمایه‌گذاری جدی‌تری شد. لذا موضوع مورد توجه دولت این بود که چگونه پس‌انداز ملی را افزایش دهد. چگونه آن را به سرمایه‌گذاری کارا هدایت کند چگونه از فرار سرمایه جلوگیری کند و چگونه مازاد در حساب جاری خود بدست آورد و این موفقیت به عوامل داخلی (درون‌زا) و خارجی (برون‌زا) بستگی داشت.

در این مقاله کوشش به عمل آمده است که کارایی استقراض خارجی در ایران در دهه ۱۳۷۰ مورد بررسی قرار گیرد. کارایی استفاده از این ابزار به عنوان وسیله‌ای جهت تأمین مالی در گرو دستیابی به دو هدف است. اول اینکه تا چه حد کشور موفق به بازپرداخت بدهی گردد (کارایی تخصیص)، و خوش‌حسابی خود را در سطح جهانی تضمین کند. و دیگر

اینکه تا چه حد به هدف اصلی خود، یعنی رسیدن به رشد پایدار جهت جبران عقب ماندگی دهه گذشته، دست یابد (کارایی رسیدن به هدف). همچنین عوامل مؤثر در کارایی استفاده از منابع خارجی در طی این دوره مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فرضیه‌هایی به شرح ذیل مطرح می‌شود.

۱- سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی عامل اصلی در کارایی (عدم کارایی) استقراض خارجی در ایران بوده‌اند.

۲- عوامل نامساعد بین‌المللی عامل اصلی در کارایی (یا عدم کارایی) استقراض خارجی در ایران بوده‌اند.

عوامل نامساعد بین‌المللی در دهه ۱۳۷۰:

تحولات اقتصاد جهانی در دهه ۱۳۷۰ به گونه مختلف بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه اثر گذاشت که اهم آن به قرار زیر است.

۱- نرخ بهره، نوسانات نرخ بهره جهانی که حاصل سیکل‌های رونق و رکود در کشورهای پیشرفته صنعتی است، بر قدرت بازپرداخت وام کشورهای در حال توسعه‌ای که وام‌های با بهره متغیر دارند اثر گذاشت نرخ بهره کوتاه‌مدت بین سالهای ۱۳۶۵-۷۲ (۹۳-۱۹۸۶) از ۵/۳ به ۳/۲ کاهش یافت، و دوباره در طی سالهای ۱۳۷۳-۷۶ روند صعودی به خود گرفت و به ۳/۴ درصد افزایش یافت. نرخ بهره بلندمدت از ۳/۵ درصد در دهه (۱۹۸۶-۱۹۷۶) به ۴/۵ درصد در طی سالهای (۱۹۸۶-۹۳) افزایش یافت و تا سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) این سیر صعودی ادامه یافت (۸). از آنجا که قسمت عمده وام‌های ایران از نوع وام‌های با بهره متغیر بود. افزایش نرخ بهره جهانی مشکل بازپرداخت بدهی ایران را حادتر ساخت. به علاوه افزایش نرخ جهانی موجب تشدید فرار سرمایه از ایران شد که بر وخامت اوضاع افزود.

۲- قیمت کالا، با توجه به ساختار صادرات ایران که عمدتاً متکی بر درآمدهای حاصل از صادرات نفت می‌باشد و با توجه به ساختار واردات که عمدتاً از کالاهای صنعتی تشکیل

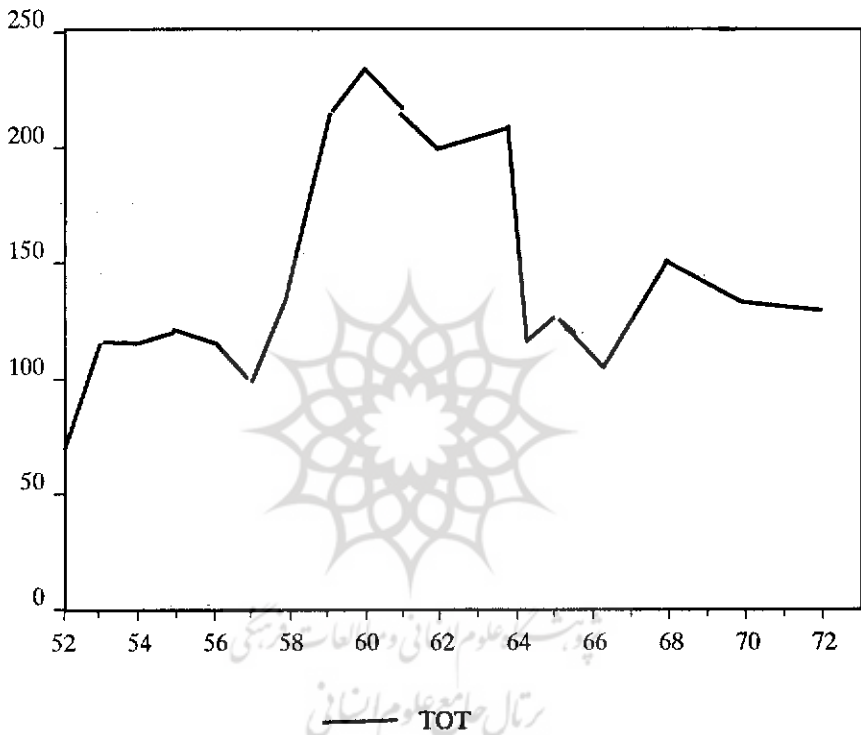
شده است. نوسانات قیمت این دو گروه کالاها ابر قدرت بازپرداخت بدهی ایران به طور مستقیم از طریق کاهش نرخ رشد اقتصادی اثر می‌گذارد.

قیمت داخلی نفت که در طی دوره ۶۴-۱۳۵۷، روند صعودی داشت، تا سال ۱۳۷۲ روند نزولی به خود گرفت و از ۲/۱۰ به ۹/۵- تنزیل یافت. (به جز دوره ۷۶-۱۳۷۳ که به صورت شاخص قیمت واقعی نفت از ۲/۱۰ در سالهای (۶۴-۱۳۵۷) به ۹/۵- در سالهای ۷۲-۱۳۶۴ کاهش یافت، دوباره در سالهای ۷۶-۱۳۷۳ سیر صعودی به خود گرفت و به ۲/۱ افزایش یافت. کاهش قیمت نفت در این دوره بر کشورهایی که قسمت عمده منابع ارزی آنها از محل صادرات نفت تأمین می‌شد آثار نامطلوبی بر جای گذاشت. درست برخلاف قیمت نفت، در تمامی سالهای دوره ۷۶-۱۳۵۷ قیمت کالاهای صنعتی سیر صعودی داشته است (خصوصاً دوره ۷۲-۱۳۶۵)، با توجه به اینکه کالاهای صنعتی بخش عمده‌ای از واردات ایران را تشکیل می‌داد، بر رشد اقتصادی ایران اثر نامطلوب بر جای گذاشت. (۱۰)

نگاهی به ساختار بودجه ایران نشان می‌دهد که سهم درآمد نفت و گاز از درآمدهای عمومی در سال ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱/۶۴ و ۲/۵۷ درصد بوده است و با احتساب ما به التفاوت نرخ ارز به عنوان بخشی از درآمد این سهم به ۸/۷۰ و ۸/۶۶ درصد افزایش می‌یابد (۱۱) از این رو پس‌انداز دولت نیز تا حد بسیار به قیمت نفت بستگی دارد. بین درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری در ایران نیز رابطه مستقیم وجود دارد. بین سالهای ۷۴-۱۳۵۹ این همبستگی ۵۷ درصد بوده است (۱۲). از این رو کاهش قیمت نفت نه تنها بر سرمایه‌گذاری داخلی اثر منفی بر جای می‌گذارد، بلکه توان بازپرداخت بدهی کشور را کاهش می‌دهد. با توجه به اینکه دولت بخش قابل توجهی از درآمدهای حاصل از نفت را، از طریق سوبسید مستقیم، نرخ سود واقعی پایین توسط سیستم بانکی، قراردادهای سهل‌الوصول برای طرح‌های توسعه و غیره توزیع می‌کند، از اینرو کاهش درآمدهای نفتی اقتصاد را بسیار آسیب‌پذیر می‌سازد.

۳- بدتر شدن رابطه مبادله بازرگانی، کاهش قیمت نفت از یکسو و افزایش قیمت کالای

صنعتی از سوی دیگر باعث شد که در این دوره رابطه مبادله بازرگانی به ضرر ایران تغییر کند. بدتر شدن رابطه مبادله بازرگانی شوک وارد به بازار سرمایه تشدید کرد. به علاوه کاهش درآمد دولت و به دنبال آن کاهش رشد اقتصادی آثار نامطلوبی بر قدرت بازپرداخت بدهی ایران بر جای گذاشت.



نمودار ۳- رابطه مبادله بازرگانی (۱۰۰=۱۳۶۶)

World economic outlook, 1996

۴- نوسانات نرخ دلار در برابر سایر ارزها، از آنجا که قسمت عمده دریافتی‌های ارزی به صورت دلار می‌باشد. و با توجه به ترکیب بدهی‌های ایران، نوسانات نرخ دلار در برابرین ژاپن بر قدرت بازپرداخت ایران اثر نامطلوب بر جای گذاشته است.

۵- قطع جریان استقراض - در برنامه اول، شکاف پس‌انداز، از طریق سرمایه خارجی

تأمین گردید. ولی در برنامه دوم به تنها دستیابی به استقراض خارجی محدود بود، بلکه بخشی از پس انداز داخلی نیز می‌بایست صرف بازپرداخت بدهی‌های قبلی می‌گردید. بررسی انتقال منابع در ایران نشان می‌دهد که از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۴ به جز سال‌های ۱۳۷۰-۷۲. خالص جریان منابع منفی یعنی با انتقال معکوس منابع مواجه بوده‌ایم. انتقال معکوس منابع بر رشد اقتصادی اثر منفی داشته است.

نقش سیاست‌های اقتصاد کلان در مقابله با شوک‌های خارجی

همان‌طور که گفته شد پس از پیروزی انقلاب اسلامی شوک‌های متعددی بر اقتصاد ایران وارد شد جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی و کاهش درآمدهای ارزی که منجر به بحران تراز پرداختها گردید. در دوره قبل از پایان جنگ تحمیلی دولت جهت مقابله با شوک‌های خارجی سیاست‌هایی در زمینه اقتصاد کلان اتخاذ کرد که اهم آن به قرار زیر است.

- ۱- تحدید واردات (کاهش سهم کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای)
 - ۲- ثابت نگاه داشتن مصنوعی نرخ ارز رسمی جهت فائق آمدن به مشکلات ارز خارجی
 - ۳- انعطاف‌ناپذیری در سیاست‌های اقتصادی (نرخ ارز رسمی، نرخ سود بانکی،...)
 - ۴- اتکا به روش‌های توزیعی (سوبسید) به جای سیاست‌های توزیع مجدد (مالیات)
- این سیاست‌ها همان‌طور که تجربه آمریکای لاتین نیز نشان داده است فقط قادر به حل مسائل کوتاه‌مدت بوده است، عدم اطمینان در مورد سیاست‌های اقتصادی، حق مالکیت، افزایش کسری بودجه، بحران تراز پرداختها، فرار سرمایه و کاهش کارایی اقتصادی همه باعث ایجاد رکود و عدم تعادل‌های متعدد در طی سالهای جنگ و تحکیم اقتصادی مبتنی بر رانت شد. برای فائق آمدن به این مشکلات دولت تصمیم گرفت که یک برنامه جامع آزادسازی و تجدید ساختار اقتصادی را بعد از جنگ در پیش گیرد تا بتواند به رشدی سریع و پایدار دست یابد. دستیابی به این هدف تنها با استفاده از منابع خارجی امکان‌پذیر بود. برای موفقیت در این امر دولت می‌خواست نقش فعال‌تری در پهنه اقتصاد جهانی داشته باشد. جهت بازپرداخت بدهی‌ها تنها اتکا به منابع نفتی کافی نبود، لذا می‌بایست تغییرات

اساسی در ساختار اقتصاد ایران ایجاد می‌گشت از این رو دولت یک سیاست جامع تغییر ساختار اقتصادی را در پیش گرفت. این سیاست‌ها شامل اصلاح سیاستهای ارزی، آزادسازی تجاری، آزادسازی مالی، و موفقیت دولت در امر خصوصی سازی بوده است. رسیدن به رشد پایدار از یکسو و توانایی بازپرداخت بدهی‌ها از سوی دیگر، در شرایط تحقق نیافتن درآمدهای نفتی به درجه موفقیت سیاست‌های فوق بستگی داشت.

همان طور که تجربه تمامی کشورهای مقروض نشان می‌دهد دستیابی به رشدی پایدار اولین شرط بازپرداخت وام‌ها می‌باشد. لازمه رسیدن به این هدف فراهم آوردن حجم وسیعی از پس‌انداز بود که نه تنها بازپرداخت بدهی‌ها میسر گردد؛ بلکه توان لازم برای سرمایه‌گذاری را تأمین نماید. با توجه به این که بخشی از پس‌اندازهای ملی در طی دوره‌های قبل به سمت فعالیت‌های سفته‌بازی و تجاری سوق یافته بود و برخی به صورت فرار سرمایه از کشور خارج می‌شد، ایجاد یک بستر اقتصادی - سیاسی - اجتماعی لازم برای هدایت این سرمایه‌گذاریها در اولویت قرار داشت. در غیر اینصورت همان طور که تجربه برخی از کشورهای امریکای لاتین نشان داده است. در صورت عدم ایجاد بستر مناسب منابع خارجی یا به سمت سفته‌بازی هدایت می‌شود و یا مجدداً به خارج منتقل می‌شود (در برخی کشورها عملاً بین افزایش حجم بدهی‌های خارجی و فرار سرمایه همبستگی قوی وجود داشته است). (۱۴) در اینصورت موفقیت استفاده از منابع خارجی در گرو سیاست‌های کلان داخلی می‌باشد؛ زیرا عوامل خارجی قابل کنترل نیستند. یک اقتصاد سالم نسبت به شوک‌های برون‌زا عکس‌العمل کمتر نشان می‌دهد. برای موفقیت استقراض خارجی شروط ذیل باید وجود داشته باشد.

۱- سرمایه‌گذاری بیش از پس‌انداز باشد ($I > S$) به عبارتی نیاز به منابع خارجی وجود داشته باشد که در زمان اخذ وام چنین کمبودی کاملاً احساس می‌شود.

۲- نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری بیش از نرخ بهره وام، باشد و بین دوره وام (زمان با پرداخت هماهنگی وجود داشته باشد) همانطور که پیشتر گفته شد وام‌های ایران عمدتاً از نوع کوتاه‌مدت بود، ولی در پروژه‌های بلندمدت صرف شد. لذا بین زمان بازپرداخت وام و

زمان بازدهی سرمایه‌گذاری شکافی وجود داشت که این خود یکی از دلایل مواجه شدن با بحران بود.

۳- منابع امتیازی با نرخ‌های بهره کم می‌تواند در کارایی استفاده از منابع خارجی اثر بگذارد ولی بنا به دلایل سیاسی استفاده از این وام‌ها میسر نگشت.

۴- وام باید از محل درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری آن وام تأمین مالی شود. این وام‌ها عمدتاً در بخش‌هایی زیر بنایی و جایگزین واردات صرف شده است. جهت بازپرداخت بدهی عمدتاً این وام‌ها در بخش‌های قابل تجارت باید سرمایه‌گذاری شود. لذا برای این که این وام‌ها خود را تأمین مالی کنند، استراتژی توسعه صادرات ضرورت می‌یابد. برای دستیابی به این هدف سیاست‌های اقتصاد کلان کشور باید در این راستا هدایت شوند. سیاست‌های ارزی سیاست‌های تجاری و... نقش مؤثری می‌توانند داشته باشد. در ذیل به بررسی نقش این سیاستها در موفقیت استقراض خارجی ایران می‌پردازیم.

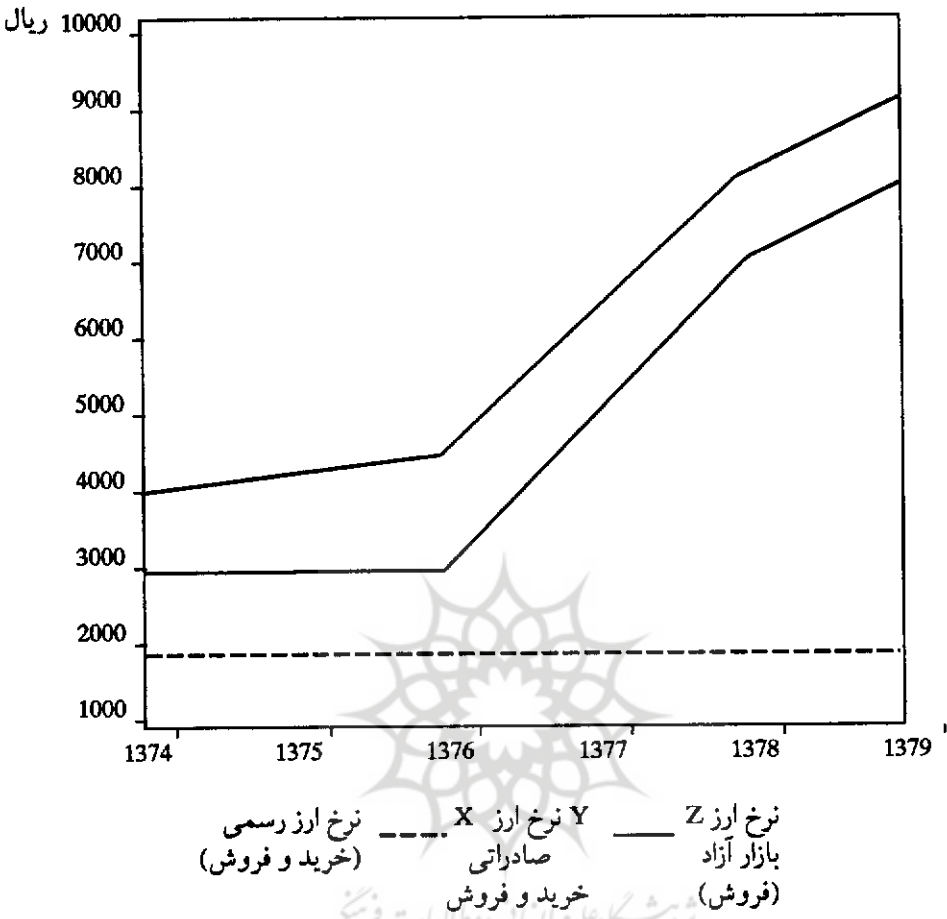
۱- سیاست‌های ارزی: همان طور که در قسمت قبل گفته شد، یکی از دلایل مواجه شدن ایران با مشکل عدم توانایی پرداخت بدهی‌های خارجی، و به دنبال آن کاهش رشد، شوک‌های نفتی منفی بوده است (مرض هلندی). (۱۵) پاسخ تئوریک مناسب در مقابله با این بیماری تنزل ارزش پول، به کارگیری نظم مالی و تشویق صادرات غیرنفتی بود. ولی در تمامی دوران اقتصاد ایران (به جز زمان ملی شدن نفت) از این ابزار مهم اقتصاد کلان به صورت بهینه استفاده نشده است و نرخ ارز رسمی به طور مصنوعی پایین نگاه داشته شده است. سیاستهای ارزی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در سه مقوله خلاصه کرد.

۱- در دوره ۶۸-۱۳۵۹، نرخ ارز رسمی به طور مصنوعی پایین نگاه داشته شده بود. (یک دلار ۷۰ ریال) ولی تعداد ارزهای مورد استفاده از ۷ تجاوز می‌کرد. تفاوت بین نرخ رسمی و بازار آزاد در ابتدای دهه ۱۳۶۰، ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد، در میانه دهه ۸۰، ۵۰۰ تا ۶۰۰ درصد و در سال ۱۳۶۸ به ۲۰۰۰ درصد رسید. کمتر کشوری توانسته است در یک دوره بلندمدت چنین نرخی را تثبیت کند و علت عمده توانایی دولت در این امر، کنترل مستقیم بر منبع اصلی درآمد خارجی کشور بود (انحصار نفت). این سیاست در بلندمدت اختلالات وسیعی

در قیمت‌ها و کسری بودجه با ذخایر ارز خارجی، و تخریب حساب جاری غیرنفتی، بر جای گذاشت. همچنین پایه‌های اقتصاد مبتنی بر رانت را تحکیم کرد. (۱۷)

۲- در سال ۱۳۷۰ تعداد ارزها به سه محدود گردید. (۱۸) نرخ پایه‌ای یک دلار معادل ۷۰ ریال، نرخ رقابتی یک دلار مساوی با ۶۰۰ ریال و نرخ شناور اعلام شده ۱۴۶۰ ریال توسط بانک مرکزی اعلام گردید. این سیستم نرخ ارز تورشی بر ضد صادرات غیرنفتی، به نفع صنایع جایگزینی واردات و همچنین به نفع بخش دولتی در برابر بخش خصوصی به علت دسترسی به ارز سوبسیده فراهم ساخته بود. این سیاست به همراه سایر سیاست‌ها، محدودیت‌های مقداری واردات، الزام به بازخرید (byback) تماماً سیاست‌های حمایت از صنایع جایگزین واردات بوده است و این امر موجب انتقال منابع از صنایع صادراتی (قابل تجارت) به سمت صنایع حمایت شده از طرف دولت (غیر قابل تجارت) شد. این ساختار موفقیت کشور را در بازپرداخت بدهی‌های آتی ضعیف ساخت. (۱۹)

۳- جهت رفع مشکلات فوق و افزایش صادرات از طریق منابع از بخش غیر قابل تجارت به بخش قابل تجارت، دولت دست به اصلاحات ارزی زد. در ۱۳۷۲ نرخ ارز از یک دلار معادل ۷۸۶/۳ ریال به یک دلار معادل ۱۵۳۸ ریال تغییر یافت. ولی از آن جاکه سیاست‌های تنزل نرخ ارز در کوتاه‌مدت سبب تورم، بیکاری و توزیع نابرابر درآمد می‌گردد. دولت یک تور ایمنی جهت مقابله با این مشکلات فراهم ساخت تا از آثار وخیم آن جلوگیری کند، از طریق اعطای سوبسید برای واردات کالاهای اساسی و اعطای سوبسید به نهادهای موازی دولت جهت احیای مؤسسات تحت پوشش اقدام نمود (۲۰) ولی با این وجود تا پایان سال ۱۳۷۲ قیمت‌ها ۷۰ درصد افزایش یافت (۲۱) و آثار تورمی ظاهر گردید همچنین تعداد بیکاران نیز به دو میلیون نفر رسید. (۲۲) لذا تمامی آثار مخرب تنزل ارزش پول ظاهر گشت. اعمال روش تدریجی در یکسان‌سازی نرخ بدین معنا که به مرور بعضی از اقلام واجد شرایط واردات در نرخ رسمی وارد لیست کالاهای رقابتی شد. باعث سفته‌بازی بر ارز خارجی گردید.



نمودار ۴- نرخ ارز ریال/دلار

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره ۱۷، سه ماهه دوم سال

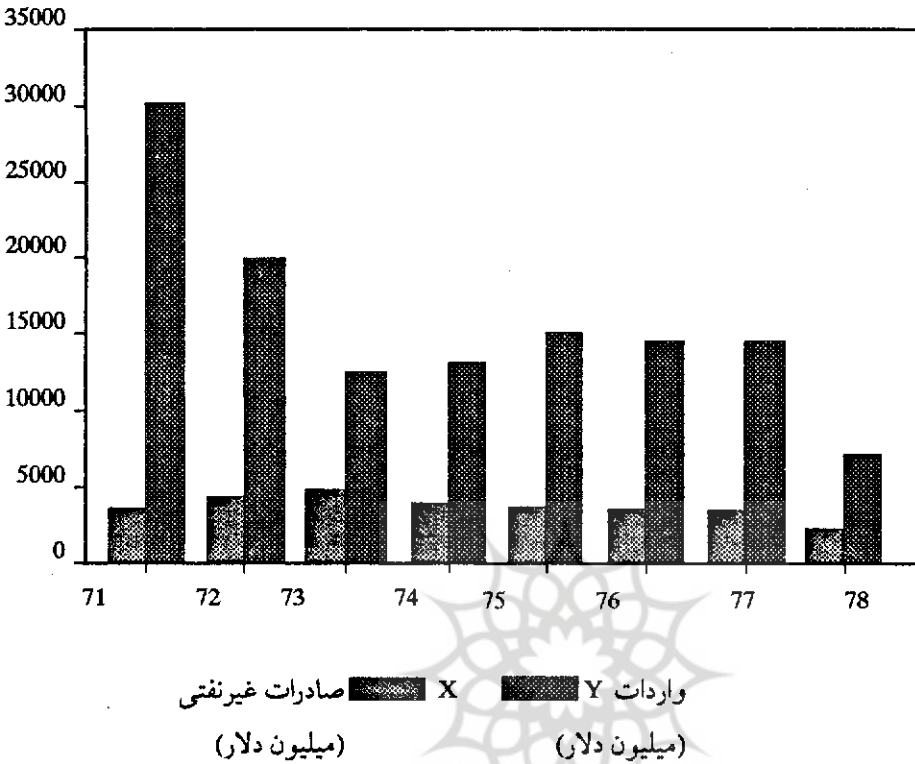
۱۳۷۸

در اردیبهشت سال ۱۳۷۲، کل بدهی ایران حدود ۳۰ میلیارد دلار بوده است که بیش از دو سوم آن به شکل LC بود که سررسید ۱۵ میلیارد دلار آن در سال ۱۳۷۲ بود. ۹ میلیارد آن مربوط بازپرداخت بدهی های جدید، ۳ تا ۵ میلیارد دلار بدهی های انباشته شده از سال

۱۳۷۱ و ۳/۴ میلیارد دلار مربوط به پروژه‌های میان‌مدت بود. (۲۳) کل دریافتی‌های ارز خارجی در این سال حدود ۱۷/۳ میلیارد دلار بود که از مقدار پیش‌بینی شده ۲۰ میلیارد دلار کمتر بود (۲۴). در اردیبهشت ۱۳۷۲ ذخایر ارزی ایران در بانک تسویه حساب بین‌المللی (BIS) به ۵/۸۸ میلیارد دلار تنزل کرد (۲۵). بنابراین با وجود محدودیت ارز خارجی، حمایت از سیاست‌های یکسان‌سازی محدود شد.

به دنبال کاهش قیمت نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی، مشکلاتی در بازپرداخت بدهی به وجود آمد. عدم امکان ورود سرمایه خارجی چه به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و چه به صورت وام خارجی، سفته‌بازی در برابر دلار را افزایش داد. تنها راه مقابله با چنین وضعیتی تزریق دلار به بازار آزاد بود که با وجود کاهش درآمدهای ارزی میسر نگشت، از اینرو از مهر ماه سال ۷۲، فاصله بین نرخ بازار آزاد و نرخ شناور افزایش یافت. با توجه به اینکه دورنمای مساعدی برای افزایش عرضه دلار وجود نداشت، دولت تصمیم گرفت که بهترین طریقی که می‌تواند سفته‌بازی بر ارز خارجی را کاهش دهد، مداخله از طریق تقاضا است، بدین ترتیب می‌تواند اعتماد را به دولت برگرداند. از این رو در اردیبهشت ۱۳۷۳ نرخ ارز دیگر به عنوان نرخ صادراتی (۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار) معرفی شد. این نرخ در سطح ۲۳۴۵ ریال تثبیت شد. در اوایل خرداد ۱۳۷۳ کمیته بازار تصمیمات جدیدتری به منظور محدودیت تقاضا اتخاذ کرد، چنان‌که عملیات ارزی خارج از سیستم بانکی غیرقانونی اعلام شد. در ابتدای سال ۱۳۷۴، به علت نوسانات شدید نرخ ارز در بازار آزاد و افزایش شکاف بین نرخ ارز آزاد شناور سیاست‌های محدودکننده دیگر، به مرحله اجرا درآمد و نرخ ارز صادراتی به سطح هر دلار ۳۰۰۰ ریال تثبیت شد و به این ترتیب هر چند این سیاست در بازگرداندن اعتماد به بانک مرکزی و کاهش سفته‌بازی مؤثر بود ولی آثار نامطلوبی در اقتصاد بر جای گذاشت.

از اولین آثار سیاست‌های ارزی اتخاذ شده، کاهش صادرات غیرنفتی بود. این تقلیل توان ایران را در مقابله با شوک‌های خارجی کاهش داد.



نمودار (۵) صادرات غیرنفتی و واردات

مأخذ: رسم شده براساس: بانک مرکزی ایران، مجله بانک مرکزی شماره ۲۵۳، ۲۵۴، ۱۳۷۶

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره ۱۷، ۱۳۷۸

وام‌ها چگونه تأمین مالی شد

با توجه به اینکه سیاستهای ارزی از کارایی لازم برای مقابله با شوک‌های بین‌المللی برخوردار نبود. دولت برای مقابله با مشکلات باید تمهیدات دیگری اتخاذ می‌کرد تا بتواند بدهی‌ها را بازپرداخت نماید. از اینرو به عنوان اولین قدم دولت مجبور به تعویق انداختن ۸ میلیارد دلار بدهی خود بود. این تمديد از طریق کلوپ پاریس انجام نشد، بلکه به صورت توافقنامه‌های دوجانبه انجام شد. گرچه این قدم مثبتی بود و یک حفره تنفسی ایجاد می‌کرد

ولی اگر بدهی‌ها به صورت میان‌مدت و بلندمدت، براساس نرخ‌های امتیازی بین‌المللی انجام می‌شد آثار زیان‌بار کمتری داشت.

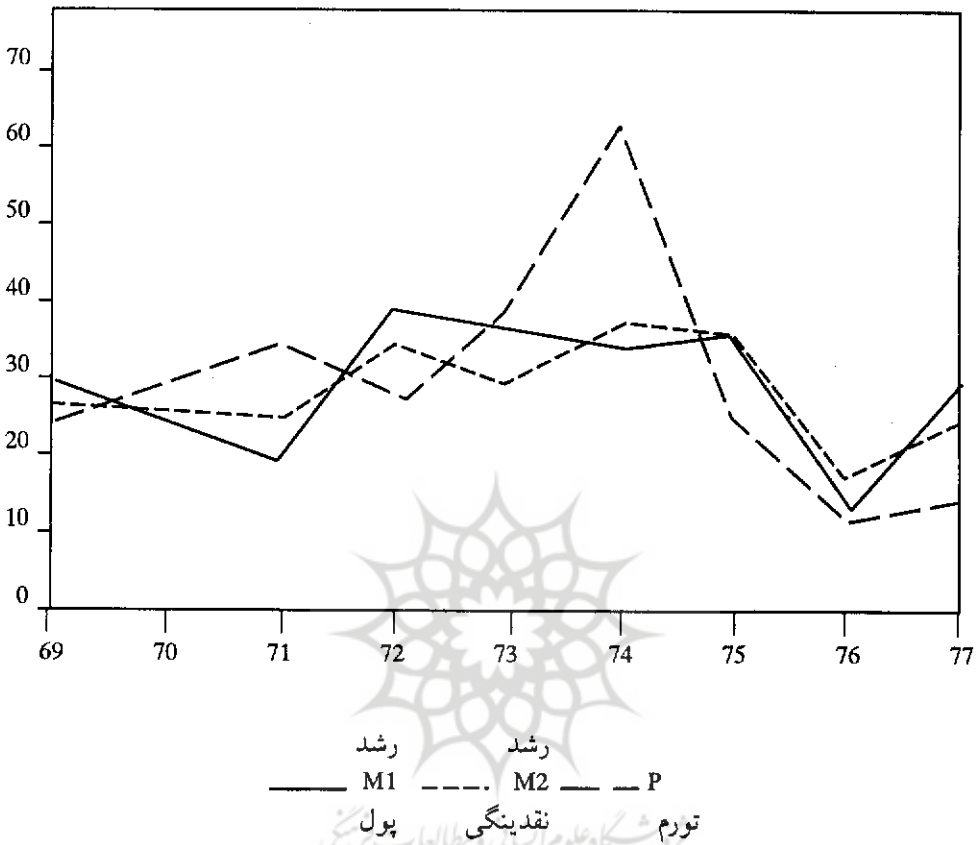
دیگر اینکه به دلیل تحقق نیافتن درآمدهای ارزی از محل صادرات نفتی و غیرنفتی، دولت بعد از سال ۱۳۷۴ مواجه با فزونی بدهی‌های خارجی سررسید شده نسبت به اعتبارات پیش‌بینی شده شد. لذا در بودجه کسری حساب ذخیره تعهدات ارزی طی سال ۱۳۷۵ افزایش یافت، کسری این حساب که توسط بانک مرکزی تأمین می‌گردد در واقع نوعی کسری بودجه دولت است (در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵) کسری ذخیره تعهدات ارزی به ترتیب ۶۶۰۸/۳ و ۴۴۰۶/۶ میلیارد ریال بوده است. (۲۷)

بدین ترتیب دولت سعی نمود که طبق جدول تعیین شده مبادرت به بازپرداخت بدهی‌های خود، حتی در شرایط تحقق نیافتن درآمدهای ارزی بنماید و خوش‌حسابی خود را بدست آورد. (نمودار ۱)

اثر نحوه تأمین بازپرداخت بدهی بر رشد اقتصادی

به علت عدم دسترسی به بازار سرمایه بین‌المللی و محدودیت استقراض خارجی، کسری‌های بودجه عمدتاً از طریق استقراض از سیستم بانکی تأمین مالی شده است. افزایش سریع حجم پول (نمودار ۵) باعث افزایش نرخ تورم گردیده است.

بالا رفتن قیمت‌ها موجب شکل‌گیری انتظارات تورمی شده است. به طوری‌که در سال ۱۳۶۹ نرخ رشد تورم از نرخ رشد عرضه پول بالاتر بوده است. انتظارات تورمی موجب بی‌ثباتی اقتصاد گردید که نقش عمده‌ای در انحراف پس‌انداز ملی از سرمایه‌گذاری کارا به سمت سفته‌بازی و فرار سرمایه داشته است (نمودار ۶).



نمودار (۶)، رشد پول، نقدینگی و تورم

مأخذ: براساس بانک مرکزی جمهوری اسلامی، نماگرهای اقتصادی ۱۳۷۸، بانک مرکزی جمهوری اسلامی سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آماری سرزمانی آماری، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، سازمان برنامه و بودجه

۱۳۷۶

نرخ سود واقعی در تمامی این دهه، نمایانگر این است که قیمت اعتبارات به طور مصنوعی پایین نگاه داشته شده است. (جدول ۲)، پایین نگاه داشتن مصنوعی نرخ سود، زمینه فعالیتهای رانت جوانه را فراهم می سازد که از یک سو بر کارایی تخصیص اثر

نامطلوب بر جای می‌گذارد و از سوی دیگر پس‌انداز ملی را تهدید می‌کند. و بالاخره موجبات فرار سرمایه را در پی می‌آورد.

جدول (۲)، نرخ سود واقعی کوتاه‌مدت و بلندمدت

سال	کوتاه‌مدت	بلندمدت (یکساله)
۱۳۷۱	-۱۶/۹	-۱۰/۴
۱۳۷۲	-۱۴/۹	-۱۱/۴
۱۳۷۳	-۲۷/۲	-۲۳/۷
۱۳۷۴	-۴۱/۴	-۳۵/۴
۱۳۷۵	-۱۶/۴	-۱۰/۴
۱۳۷۴-۷۷	-۱۸/۹	-۱۲/۹

مأخذ: محاسبه شده براساس، اطلاعیه‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی،

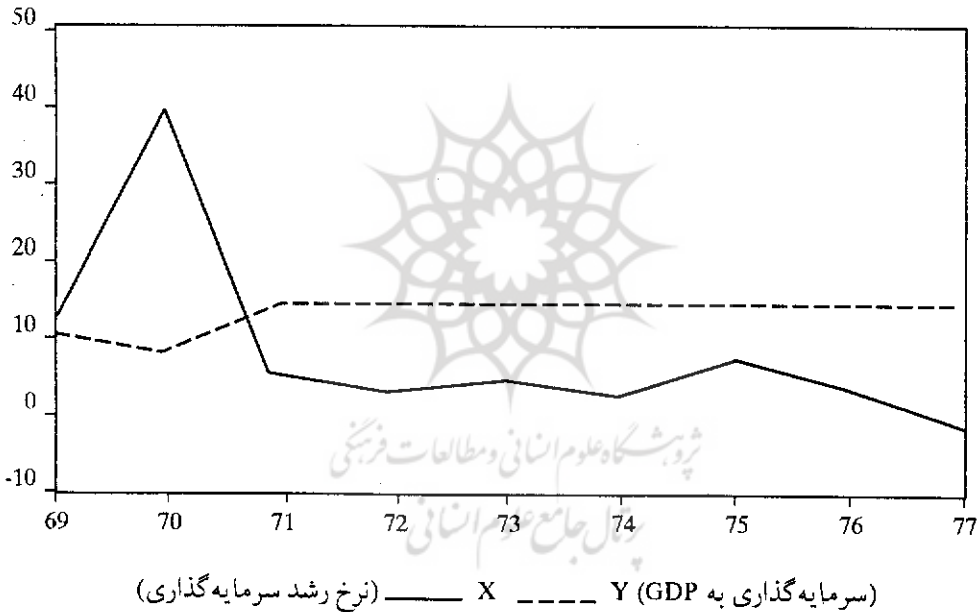
شماره‌های مختلف

سیاست‌های کلان داخلی موجبات فرار سرمایه را فراهم ساخته است. فرار سرمایه در ایران به طور متوسط بین سالهای ۱۳۷۳-۱۳۶۶، کاربرد دو روش پول سوزان و روش بانک جهانی بین ۹۵-۲۸۴۳ میلیون دلار برآورد شده است. نسبت فرار سرمایه به بدهی خارجی بین ۹/۷-۲۹/۱ و فرار سرمایه به محصول ناخالص داخلی بین ۲/۵۷/۵ درصد برآورد شده است. (۲۸)

با توجه به فرار سرمایه، عدم امکان دستیابی به منابع خارجی، کاهش درآمدهای نفتی، بازپرداخت بدهی‌ها، تنها راه ممکن صرفه‌جویی‌های ارزی بود. از این رو کاهش واردات ضروری بود. بنابراین با به تعویق انداختن برخی پروژه‌های واردات، توانسته به این مهم دست یابد. از آن جاکه در سالهای اخیر بیشتر صنایع از طریق حمایت رشد کرده بودند، و از

آن جا که رشد آنها تحت تأثیر زیاد درآمدهای نفتی قرار داشت (۲۹) طبق سنت دیرینه، دولت هر زمان که با مشکل ارزی مواجه می‌شد، واردات صنعتی را کاهش می‌داد که بر رشد صنعتی اثر منفی بر جای گذاشت (نمودار ۵).

مشکلات فوق، فرار سرمایه، بازپرداخت بدهی‌ها، مشکلات دستیابی به بازار سرمایه و غیره، باعث کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری شد. به طوری که رشد سرمایه‌گذاری از حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۵ درصد در سال ۷۵ به ۵ درصد و به ۶.۱ درصد در سال ۱۳۷۷ رسید.



نمودار ۷- سرمایه‌گذاری در ایران

براساس، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره‌های مختلف سازمان برنامه و بودجه، آمارهای سری زمانی، ۱۳۷۶، محاسبه و ترسیم شده است

علت کاهش سرمایه‌گذاری را می‌توان در نحوه تأمین مالی توسعه در سال‌های رونق

برنامه اول داشت (حجم وسیع بدهی به علاوه تزریق پول به اقتصاد بدون تأکید بر پس انداز ملی). با توجه به اینکه در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ هر دو منبع محدودگشت و با توجه به اینکه شکل گیری انتظارات تورمی، بی ثباتی اقتصاد کلان موجب انحراف بخشی از پس انداز ملی به سمت سفته بازی و فرار سرمایه شد، بر توان سرمایه گذاری اثر منفی بر جای گذاشت. حاصل نهایی را می توان در کلی ترین متغیر اقتصاد یعنی نرخ رشد محصول ناخالص های داخلی واقعی دید، نرخ رشد GDP واقعی در ایران بعد از سیکل رونق سال ۱۳۷۲، از سال ۱۳۷۳ سیکل رکودی را آغاز کرد و از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و عمیق ترگشت (نمودار ۸). متوسط رشد سالانه GDP دوره ۷۷-۱۳۷۴، ۳/۸ درصد بوده است.



نمودار (۸) - نرخ رشد GDP واقعی

مأخذ: رسم شده براساس: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجله بانک مرکزی شماره ۲۵۳ و ۲۵۴، سال ۱۳۷۶

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره های مختلف تا ۱۳۷۸

نتیجه گیری:

از آنجا که بازسازی اقتصاد ایران و جبران عقب‌ماندگی دهه ۱۹۸۰، تنها با دستیابی به رشد سریع اقتصادی میسر بود، و تنها راه تحقق این هدف سرمایه‌گذاری در حجم بسیار وسیع بود. به منظور جبران کمبود منابع داخلی لازم، دولت مبادرت به استقرار خارجی نمود. کارایی استفاده از این منبع در گرو دستیابی به دو هدف بود. اول اینکه تا چه حد کشور موفق به بازپرداخت بدهی گردد. (کارایی تخصیص) و مهمتر اینکه تا چه حد به هدف اصلی خود یعنی دستیابی به رشد سریع و پایدار دست یابد (کارایی رسیدن به هدف).

از آنجا که بیش از سه چهارم وام‌های ایران از نوع کوتاه‌مدت بود، و با عنایت به این که بخش مهمی از این وام‌ها در پروژه‌های بلندمدت صرف شده بود، از همان ابتدا روشن بود که بازپرداخت وام از محل درآمدهای ارزی حاصل از سرمایه‌گذاری وام، در موعد مقرر امکان‌پذیر نمی‌باشد. از این رو موفقیت در بازپرداخت وام به دو عامل بستگی داشت، تحقق درآمدهای صادراتی حاصل از صادرات غیرنفتی که آن در گرو موفقیت سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی بود، دیگر درآمدهای حاصل از فروش نفت بود که به عوامل بین‌المللی بستگی داشت.

بنا به دلایلی که شرح آن گذشت، درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی تحقق یافت. لذا تنها منبع تأمین مالی وام درآمدهای حاصل از صادرات نفت بود که آنهم با توجه به وقایع نامساعد دهه ۱۳۷۰ تحقق نیافت. از این رو دولت با مشکل بازپرداخت بدهی مواجه گشت. تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که درجه تأثیرگذاری عوامل بین‌المللی (شوک‌های برونزا) در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. اختلاف درجه تأثیر عوامل برونزا را باید در سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی این کشورها جستجو کرد. کشورهای موفق کشورهایی بوده‌اند که این شوک‌ها را با سیاست‌های کلان داخلی مناسب (شامل سیاست‌های پولی، ارزی، تجاری و) پاسخ داده‌اند و آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را نسبت به شوک‌های برونزا کاهش داده‌اند. این کشورها هم توانسته‌اند بدهی خود را پرداخت کنند و

هم توسعه پایداری را تجربه کنند. بالعکس کشورهایی که نتوانسته‌اند با سیاستهای کلان داخلی متناسب شوک‌ها را خنثی کنند، نه تنها با مشکل عدم توانایی بازپرداخت بدهی مواجه شده‌اند؛ بلکه به علت معکوس شدن جریان انتقال سرمایه با بحران توسعه مواجه شده‌اند.

با توجه به عدم تحقق درآمدهای ارزی مورد نیاز، و ضرورت بازبازی خوش‌حسابی بین‌المللی، ایران بعد از مذاکرات دو جانبه بازپرداخت بدهی را پیش‌بینی کرد، تا پایان سال ۱۳۸۲ قسمت عمده بدهی‌های ایران پرداخت خواهد شد.

ولی رسیدن به هدف فوق باعث کاهش رشد اقتصادی در دروه بعد بود. زیرا در دوره دوم نه تنها استفاده از پس‌انداز خارجی امکان‌پذیر نبود؛ بلکه بخشی از پس‌انداز داخلی باید برای بازپرداخت اصل و فرع بدهی خارج می‌شد (انتقال معکوس سرمایه). از اینرو تحقق نرخ‌های رشد بالا در سال‌های اولیه به رکود اقتصادی سال‌های بعد منجر شد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سیاست‌های کلان داخلی عامل اصلی تعیین درجه کارایی استفاده از منابع خارجی بوده است و عوامل بین‌الملل نقش تشدیدکننده داشته است.

مع‌هذا، تجربه بحران‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ (بحران بدهی، بحران مکزیک، بحران شرق آسیا و تجربه ایران) در استفاده از منابع خارجی نتایج ذیل را به دست می‌دهد. جهت دستیابی به توسعه پایدار، بهینه اول برای تأمین مالی توسعه، اتکا به منابع داخلی است. از این رو سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی نقش مهمی در تجهیز پس‌انداز از یکسو هدایت آن به سرمایه‌گذاری از سوی دیگر، را ایفا می‌کنند. در صورت عدم موفقیت سیاست‌های اقتصاد کلان، پس‌انداز داخلی به سمت سفته‌بازی و یا به خارج از مرزها هدایت می‌شود (فرار سرمایه)، در اینصورت پس‌انداز کافی جهت تأمین مالی سرمایه‌گذاری تحقق نمی‌یابد. در چنین شرایطی تأمین مالی توسعه، تنها با اتکا به منابع خارجی میسر است. ولی استفاده از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باز بستگی به موفقیت سیاست‌های اقتصاد کلان داخلی دارد. در صورت عدم موفقیت سیاست‌ها در جلب سرمایه

مستقیم خارجی تنها راه باقیمانده برای تأمین مالی توسعه، استقراض خارجی است. ساختار استقراض خارجی نیز در کارایی استفاده از منابع خارجی مهم است. انباشت حجم وسیعی از وام‌های کوتاه‌مدت (تجاری) و خصوصاً وام‌های با بهره متغیر (قسمت عمده وام‌های ایران از این نوع بوده است). در ترکیب بدهی کشورها در بحران‌های اخیر نقش مهمی داشته‌اند. از این رو وام‌های بلندمدت، با بهره ثابت و به طور کلی استفاده از وام‌های امتیازی مرجح بر وام‌های تجاری کوتاه‌مدت، در تأمین مالی توسعه می‌باشد و آسیب‌پذیری کشور را در مقابله با شوک‌های نامساعد بین‌المللی کمتر می‌کند.

نحوه و میزان استفاده از استقراض خارجی در کارایی استفاده از منابع خارجی حائز اهمیت بوده است. حجم بهینه استفاده از وام با توجه به ظرفیت جذب کشور تعیین می‌شود، در غیر اینصورت منابع اضافی وارد کانال سفته‌بازی خواهد شد (تجربه شرق آسیا)، به علاوه تخصیص بخشی این منابع مهم است. وام‌ها باید در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری شوند که دوره بازدهی با دوره بازپرداخت وام‌ها هماهنگ باشد. اگر وام‌های کوتاه‌مدت صرف تأمین مالی پروژه‌های بلندمدت شود، کشور با مشکل بازپرداخت مواجه خواهد شد (مورد ایران)، دیگر اینکه وام‌ها باید در بخش‌هایی از اقتصاد سرمایه‌گذاری شوند که بازدهی بالاتری از نرخ بهره وام داشته باشند و قادر به تأمین ارز کافی جهت بازپرداخت بدهی باشند. در این راستا، بخش‌های قابل تجارت نسبت به بخش‌های غیرقابل تجارت قدرت بازپرداخت بالاتری ایجاد می‌کنند. تجربه کشورهای بدهکار نشان داده است که کشورهای که استراتژی توسعه صادرات و الگوی برون‌نگر را در پیش گرفته‌اند، کارایی بیشتری را استفاده از منابع خارجی داشته‌اند. (۳۰) همچنین اثر شوک‌های خارجی بر کشورهای تک‌محصولی بسیار شدیدتر بوده است. از این رو تنوع صادراتی و رهایی از اقتصاد تک‌محصولی می‌تواند حائز اهمیت باشد.

ارائه دستیابی به اهداف فوق، اصلاح سیاست‌های اقتصاد کلان، شامل سیاست‌های ارزی (اصلاح نرخ‌اند، سیاست‌های پولی (نرخ سود مثبت)، سیاست‌های مالی (کنترل

کسری بودجه از طریق ایجاد یک انضباط مالی و اصلاح ساختار بودجه) سیاست‌های تجاری (اصلاح تعرفه و) می‌باشد.

اصلاح سیاست‌های اقتصاد کلان به همراه ایجاد یک فضای امن برای سرمایه‌گذاری از طریق اصلاح ساختار قانونی - سیاسی توسعه سیاسی)، می‌تواند نقش مهمی در افزایش درجه همبستگی بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، هدایت پس‌انداز به سرمایه‌گذاری کارا، و در نتیجه رشد اقتصادی داشته باشد. همچنین اصلاح این سیاست‌ها می‌تواند در استفاده بهینه از منابع خارجی به عنوان مکمل منابع داخلی، جهت شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، و کاهش بیکاری نقش مهمی داشته باشد.



فهرست منابع:

- جمالزاده، سیدمحمدعلی، گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران)، انتشارات کاوه، دارالسلطنه برلین ۱۳۳۵.
- V.S. Congress, House of Representative, committee on Bankig, Housing and urban affairs, 1981, Iran, the Financial aspect of settelment Agreement, V.S.
- El-Erian, Mahammed A. 1996. Middle Eastern Economies, Externanl Invironment, ahead? Middle East policy, vol, IV, NO 3, P-137-140
- سازمان برنامه و بودجه، برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۶۸-۷۳، تهران ۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه، پیوست لایحه دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۷۷-۱۳۷۳، سال ۷۲.
- IMF. Official Financing for Developing countries, 1998, IMF. Washington, PP.15.
- EL-Erian and kumar M. 1996, Mobilization of saving in Developing countries, the case study of Iran, IMF, working paper, W/9636.
- IMF, world Economic outlook, 1996.
- انک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی سال ۱۳۷۵، تهران ۱۳۷۷.
- Mazarei, Adnan, 1995, Import under a foreign exchange constraint, the case of Islamic Republic of Iran, IMF, warking paper WP/95/97.
- Sasan Pour, Cyrous, 1996, policy challenges in GEC countries, IMF, series, Washington, IMF.
- Mahdavi, H. 1970, Patterns and problems of Economic Development in

- Rentier Economies, the case of Iran, in Cook, M.A. (ed) studies in Economic history of Middle East, Oxford university press.
- Boyce, James, K. the political Economy of external Indebtness, A case study of Phillipin. Institute of Development studies, 1990.
- Gleb, A. Oil Revenue, Blessing or curse, New York, 1988 Oxford university press.
- Agenor, P.R. 1990, Parallel curenry Market in Developing Countries, theory and some Evidence and some policey Impilcation, IMF, working paper, WP/90/114.
- Glauer P. and Sasonpoor, 1987, Adjustment to a foreign exchange shock, Iran, 1951-53, International Journal of Middle East studies Vol. 19, P. 1-22.
- Behdad, S, 1988, foriegn exchange gap, structural contsrain and the political economiy of exchange rate determination. International Journal of Middle East studies, vol. 20, 1-21.
- Farzin, y, 1995, foreign exchange Reform in Iran, Badly Designed, Badly Managed, development, Journal vol.23, NO. 6. PP. 987-1001.
- Mazrei, Adnan, 1995, Import under a Foreign exchange constraint, the case of Islamic Republic of Iran, IMF. working WP/95/97.
- دولت مبلغ ۳۸۰۰ میلیون دلار سوبسید برای واردات کالاهای اساسی در نرخ ۷۰ ریال و ۳۸۰۰ میلیون دلار ارز سوبسید به نهادهای موازی دولت برای احیای مؤسسات تحت پوشش تخصیص داده است.
- Economist, sep 25, 1993, P. 54.
- Iran focus, April, 93, P. 13.

Meed, April 30, 1993, P. 3.

Meed, NOV, 8, 1992, P. 16.

Bank for International settlement, International settlement, International Banking and financial Market development Geneva, 1993.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۷۵ و تهران ۷۷.

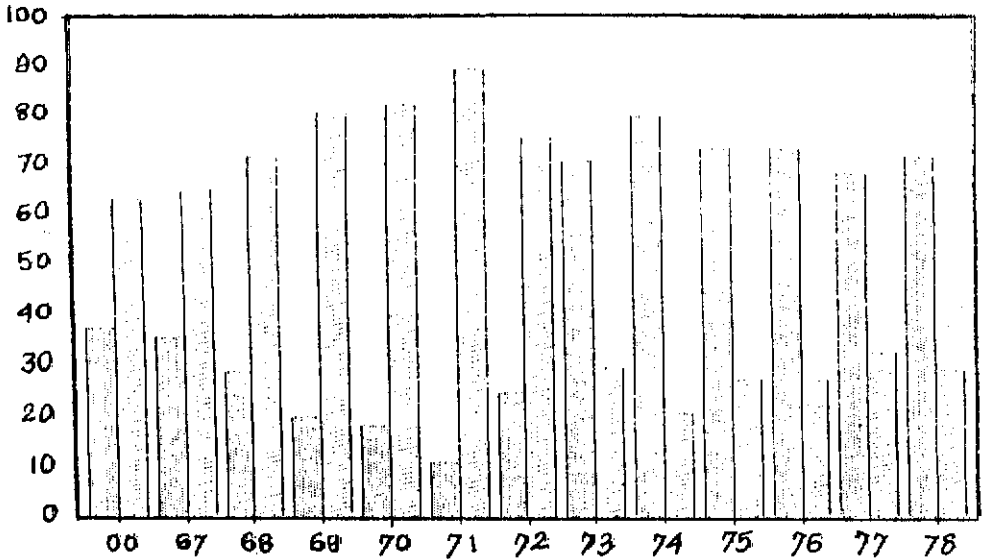
افشاری، زهرا، فرار سرمایه در ایران، مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی ۷۷.

افشاری، زهرا، نقش سیاست‌های اقتصاد کلان در مدیریت استقراض خارجی، طرح پژوهشی، دانشگاه الزهراء - واردات امور اقتصاد و دارایی ۷۵.

منبع شماره ۲۹.



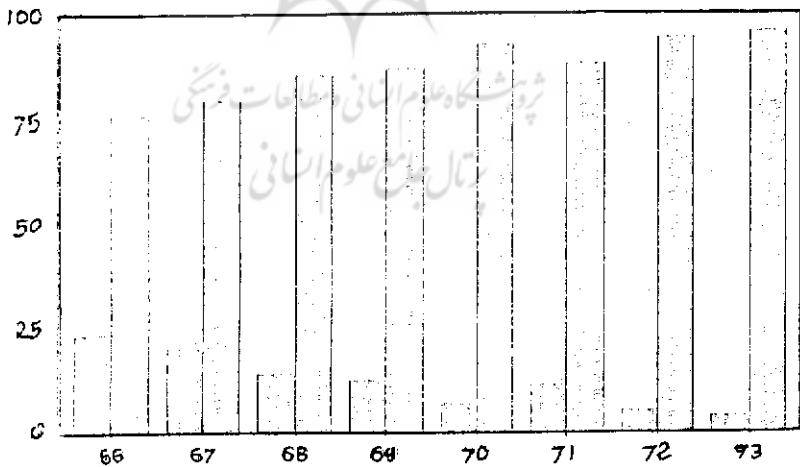
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱ (کوتاه مدت) و نمودار ۲ (بلند مدت)

نمودار ۱ ضمیمه. بدهی خارجی به تفکیک کوتاه مدت - بلند مدت (درصد)

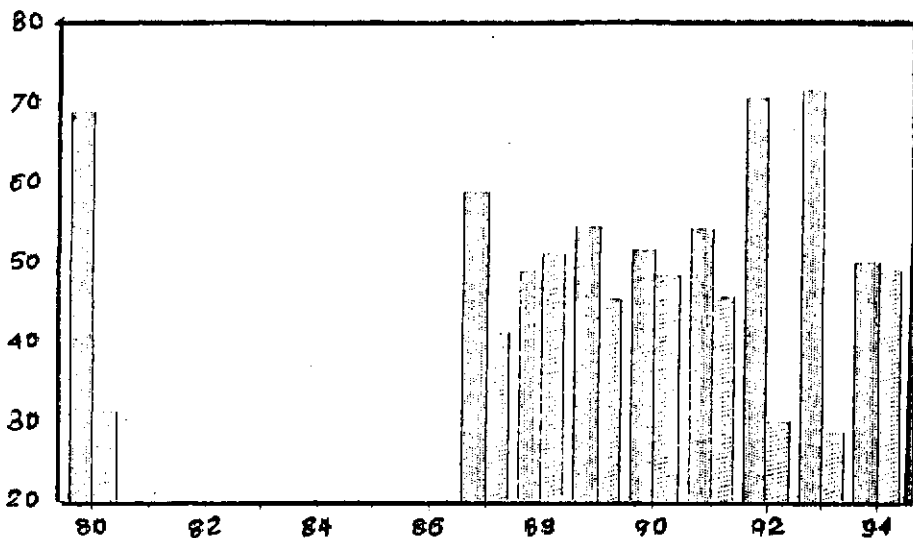
مأخذ: بر اساس، نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، شماره‌های مختلف



بستانکاران خصوصی ۱۳۰ و بستانکاران دولتی ۱۳۱

نمودار ۲ ضمیمه. بدهی‌های ایران (خصوصی - دولتی)

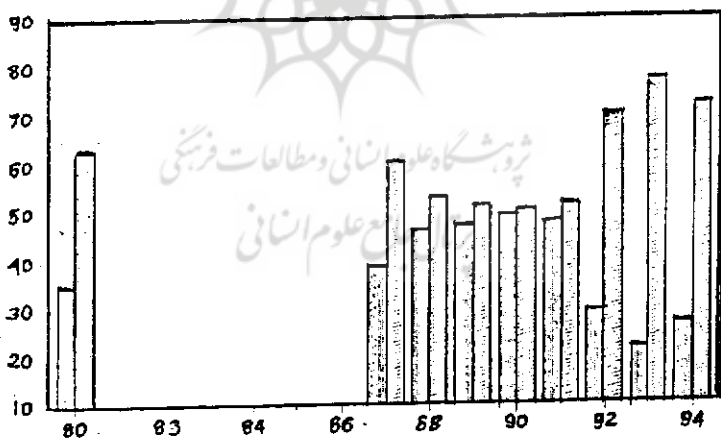
مأخذ: بر اساس World Bank, Debt tables, 1996



(دو جانبه) ۳ (چند جانبه) ۴

نمودار ۳ ضمیمه. بدهی ایران بر حسب نوع بدهی (چند جانبه - دو جانبه - درصد)

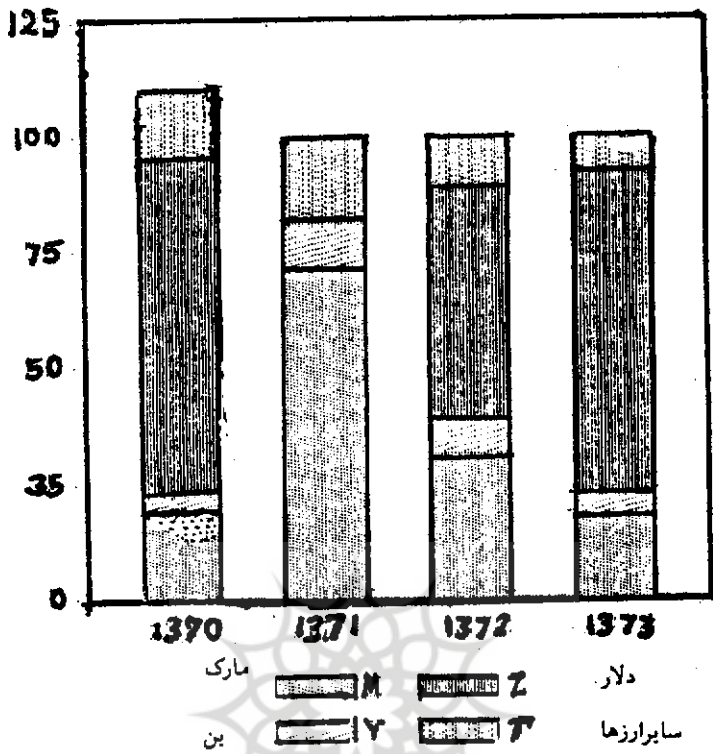
مأخذ: بر اساس World Bank, Debt tables, 1996, PP 227 رسم شده است.



(غیر قراردادی) ۳ (قراردادی) ۴

نمودار ۴ ضمیمه. بدهی ایران بر حسب نوع بدهی قراردادی - غیر قراردادی (درصد)

مأخذ: بر اساس World Bank, Debt tables, 1996, PP227



نمودار ۵ ضمیمه. ترکیب ارزی بدهی‌های بلندمدت (درصد)

World Bank, Debt tables, 1996, PP228 مأخذ: بر اساس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱ - ضمیمه. شاخص‌های بدهی خارجی در ایران

دوره	دین خارجی	GM	بازرگانی دین	صادرات	برداشت بهراری	صادرات	GNP	دخایر بین‌المللی	دخایر کالاها و خدمات	کوتاهت	کل دین	فرازادی	جمع‌تابه
۱۹۸۰	۳۲	۲/۸	۶/۸	۳/۱	۰/۵	۲۸۴	۹/۳	۰	۷/۲	۱۳/۸	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۸۷	۴۹/۷	۲/۵	۳/۶	۱/۸	۰/۲	-	-	۶۲/۹	۲/۴	۵/۲	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۸۸	۵۲/۲	۲/۶	۵/۶	۲/۶	۰/۲	-	-	۶۴/۸	۳/۳	۳/۵	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۸۹	۴۷	۵/۳	۳/۳	۲/۴	۰/۳	-	-	۷۱/۴	۱/۹	۲/۲	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۹۰	۴۳/۷	۷/۶	۳/۲	۲/۱	۰/۴	-	-	۸۰/۱	۱/۳	۱/۳	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۹۱	۵۸	۹/۳	۴/۱	۳/۲	۰/۵	-	-	۸۱/۸	۰/۶	۰/۷	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۹۲	۷۷/۴	۱۳/۷	۵/۲	۲/۲	۰/۸	-	-	۸۹/۲	۰/۴	۰/۹	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۹۳	۱۲۱	-	۹/۳	۷/۳	-	-	-	۷۵/۴	۰/۲	۰/۹	کل دین	کل دین	جمع‌تابه
۱۹۹۴	۱۱۲/۹	-	۳/۸	۵/۱	-	-	-	۲۹/۵	۰/۷	۱/۳	کل دین	کل دین	جمع‌تابه

منبع:

World Bank, Debt Tables, 1996, PP. 226-227

جدول ۲ - ضمیمه. خالص جریان انتقال منابع

۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۰	۱۹۷۰	خالص جریان منابع
	-۷/۸	۱۳۳۹	۱۰۵۱	۳۶۳	-۳۷۱	-۱۳۳	-۱۱۰	-۵۰۳	-۳۶۲	
		۱۳۳۴	۱۱۶۶	۲۵۴	-۸۶	-۱۲۴	-۱۷۸	-۲۰۳	-۲۶۳	خالص جریان بلندمدت (بجز IMF)
		-۱۳۳۳								
-۱۰	-۵۰	-۱۷۰	۳۳	-۳۶۲	۱۹	۶۱	-۳۰۸	۰	۲۸	سرمایه گذاری مستقیم خارجی
		۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰		جریان داراییهای پرتولید
۵۶	۴۵	۵۵	۸۶	۷۶	۱۰	۷	۷	۱	۱	گزارت‌ها (بجز همکاریهای فنی)
-۱۶۴۷	۱۰۵۴	۸۰۱	۳۳۶	-۴۷۷	-۲۸۱	-۲۵۴	-۶۰۹	-۱۰۹۱		خالص انتقالات
۳۶۹	۱۷۵	۹۳	۴۱	۲۸	۴۴	۶۲	۲۸	۴۳۱		بهره دیون بلندمدت
۰	۰	۱۵۷	۸۵	۷۸	۱۰۴	۸۲	۶۶	۳۹۸	۸۱۶	بازگشت سود بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی

World Bank, World Debt Tables, 1995. PP 226-227.